

التباس معنای مزایا و مصونیت‌ها در حقوق بین‌الملل تأملی بر تعاریف و مفاهیم

محمود صوراسرافیل*

مزایا و مصونیت‌ها مبحثی است که در حقوق و شاخه‌های آن، چه حقوق خصوصی و چه حقوق عمومی بدان پرداخته شده‌است، و بخصوص در حقوق بین‌الملل عمومی و شاخه‌ای از آن یعنی حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تحول بحث‌انگیزی یافته است. اهمیت این مبحث بدان جهت است که در قبال اصلی مستقر قاعده‌ای استثنایی به وجود می‌آورد. حال با توجه به این واقعیت که در علم حقوق کمتر اصلی می‌توان یافت که استثنای پذیر نباشد، در تحلیل نهایی، بررسی مزایا و مصونیت‌ها، در مقابل آنچه حقوق مشترک و عام نام گرفته، بررسی تعاریف و مفاهیم و بسیاری مسائل استثنایی قرار دارد. وانگهی معنی و مفهومی که از این دو اصطلاح بر می‌آید خود بر همین کیفیت دلالت دارد: برخورد اصل و استثنا.

* پژوهشگر دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.

بررسی مزایا و مصونیت‌ها در حقوق بین‌الملل دامنه‌ای وسیع دارد. از آنجا که ما قصد نداریم به مسائل و مشکلات حقوقی این مبحث پردازیم و غرضمان فقط بررسی وجوه اشتراک و افتراق این دو مفهوم است ابتداء به ریشه‌یابی این دو مفهوم و تعاریفی که از آنها به عمل آمده می‌پردازیم و سپس از منزلت آنها در شاخه‌های حقوق سخن خواهیم گفت و آنگاه تلاش خواهیم کرد که حد و حدود این تعاریف را در حقوق بین‌الملل معین بداریم.^۱

۱- ریشه‌یابی تعاریف و مفاهیم مزایا و مصونیت‌ها

مزیت (و جمع آن مزایا) و مصونیت که در زبان فارسی متداول است و بعضی محافل، به خصوص محافل سیاسی، و حتی بعضی لایه‌های اجتماع با آن کم و بیش آشنایی دارند، ترجمه دو اصطلاح متعلق به خانواده زبانه‌های لاتین است:

– *privilege* و *privilegium* به ترتیب در زبانهای فرانسوی و انگلیسی

– کم و بیش در دیگر زبانهای خانواده لاتین با همین املا – از کلمه

لاتین *privilegium* گرفته شده‌است.

۱. مبحث مزایا و مصونیتها در حقوق بین‌الملل مبحث گسترده‌ای است و « تأملی بر تعاریف و مفاهیم » طبعاً گام اول، این که این مقوله از کدام جنبه شکلی است و مربوط به آیین دادرسی (و دادرسی بین‌المللی) و از کدام جنبه ماهوی گفتارهایی نیستند که در مقاله سی‌چهل صفحه‌ای بتوان حق مطلب را به درستی ادا کرد. این که «مصونیت از اعمال صلاحیت» چیست؟ چه اشخاص و نهادهایی، همچون دولت و سازمانهای بین‌الملل، ... و چه اعمال و فعالیتهایی مشمول مصونیت قرار می‌گیرند، مصونیت اجرایی در چه شرایطی قابل اعمال است و ... مباحثی است که به مقالات و گفتارهای بعد واگذار و در حمال حاضر به همان بررسی تعاریف و مفاهیم بسنده می‌شود.

مقوله مزایا و مصونیت‌ها در دیگر رشته‌ها و شاخه‌های علم حقوق استثناهایی است که وجوه مشترکی با همین مقوله‌ها در حقوق بین‌الملل و بخصوص حقوق دیپلماتیک و کنسولی عرضه می‌دارند. این است که بررسی این مقوله‌ها در دیگر رشته‌های حقوق غیر از حقوق بین‌الملل کار مناسبی است.

در زبان لاتین کلمه *privilegium* خود از دو جزء ترکیب یافته است:

privus به معنای شخص و *Lex* به معنای قانون. از جمع این دو جزء «قانونی راجع به شخص» مستفاد می‌گردد:^۲ قانونی که شخصی را نسبت به افراد عادی در وضع ممتاز و برتری قرار می‌دهد.

– مصونیت ترجمه کلمه *immunité* در زبان فرانسوی، *immunity* در زبان انگلیسی و دیگر زبانهای خانواده لاتین کم و بیش با همین املا است.^۳

در زبان لاتین، این کلمه دو جزء در بر دارد: *in* میشوند نفی و *münūs* به معنای تکلیف و وظیفه، خدمت و تعهد و امثال آن، که «در حقوق مبین معافیت یا براءت از قید مسؤولیت [است]».^۴

در قیاس تعاریف و مفاهیم با یکدیگر، در بعضی لغتنامه‌ها و دانشنامه‌ها این دو مفهوم چنان به یکدیگر آمیخته‌اند که تفکیک یکی از دیگری کاری بس دشوار به نظر می‌رسد؛ جز این که به فراخور هر رشته و شاخه‌ای تطبیق و سازشی مفهومی به عمل آید: در حقوق خصوصی حاکم بر روابط اشخاص با یکدیگر، و در حقوق عمومی حاکم بر روابط دولت و افراد، از مصونیتی همچون مصونیت پارلمانی و مصونیت قضایی سخن گفته می‌شود، اما در حقوق بین‌الملل عمومی که حاکم است بر روابط دو یا چند دولت، استقلال و حاکمیت دولتها و همچنین برابری آنها اقتضاء داشته است

2. CORNU, *Vocabulaire juridique*, PUF, 1987, p. 42; *Shorter Oxford Dictionary*, II, 1983, p. 164.

۳. ذکر معانی از لغت نامه‌ها، بی در نظر گرفتن ترتیبی است که در همان مآخذ رعایت شده است: GAFFIOT, *Dictionnaire Latin – Français*, 1934, p. 1003. CASSEL's *Latino – English, English – Latin Dictionary*, 1968, p. 383.

4. *Encyc. Britannica*, 1972, vol. 12, p. 2A.

که هر دولت در قبال دولت دیگر در قبال مسائلی معین از مداخله مصون و امان بماند از این رو برای آن که بهتر به گستره و دیگر جنبه‌های این مباحث در حقوق بین‌الملل پی برد، نظری اجمالی به وضع این مقوله در دیگر رشته‌ها و شاخه‌های علم حقوق مناسب بلکه مفید به نظر می‌رسد.

۲- تعاریف و مفاهیم در رشته‌ها و شاخه‌های علم حقوق

در بسیاری لغت‌نامه‌ها و دانشنامه‌ها تعریفی نیست که یکی از این دو مفهوم را به جای دیگری به کار نبرده باشد: مزیت را به جای مصونیت، و بر عکس مصونیت را به جای مزیت، چنانکه از بسیاری جهات، نه از جمیع جهات، دو مقوله را کم و بیش می‌توان دو روی یک سکه پنداشت. علت این در هم‌امیختگی را شاید بتوان آن دانست که هرچند در مقوله مصونیت، عنصر مفهومی معافیت جزء لازم ریشه لغت است، در مفهوم مزیت این عنصر نیز بنحوی وارد شده‌است: این که مزیت قانونی است راجع به شخص، شاید بدان سبب است که بر اثر این قانون معافیتی هم در حق منتفع از مزایا مقرر شود. با توجه به این که عنصر مفهومی واحد بین هر دو مقوله مشترک به نظر می‌رسد، در هم‌امیختگی این مفاهیم و تعاریف قابل توجیه به نظر می‌رسد. شاهد این مدعا آن است که در بعضی دانشنامه‌ها، تعریفی از مصونیت داده‌اند که درست از حیث عبارت و جمله‌بندی همان تعریف مزیت در ریشه لاتین است.

براساس تعریف مجمل و گویای مزیت از طرفی و مصونیت از طرف دیگر، این دو مفهوم در رشته‌ها و شاخه‌های دیگر علم حقوق تابع مشخصات همان رشته و شاخه، و از جمله نقش دولت و در نتیجه حاکمیت در معنای هریک از آنها است.

الف - در حقوق خصوصی

در حقوق خصوصی که نظامی است حاکم بر روابط افراد در اجتماع و دولت نقشی مستقیم در آن ندارد، تعریف مزیت به قانونی راجع به شخص و امتیازی که این قانون در حق او مقرر می‌دارد معنای وسیعی به این مفهوم می‌دهد. در این معنی، حق طلبکار به قیمت فروش اموال بدهکار مزیتی است که مبحث «دیون ممتازه»^۵ و مبحث «مستثنیات دین»^۶ در باب اجرای احکام و درباب رهن به طلبکار و مرتهن می‌دهد. در مبحث رهن، بنا بر ماده ۷۸۰ قانون مدنی، حق مرتهن (رهن گیرنده که همان بستانکار باشد) نسبت به قیمت فروش اموال رهن (رهن دهنده که همان بدهکار باشد)، در نوع خود مزیتی است که به بستانکار تعلق می‌گیرد.^۷ همچنین ماده ۶۵ قانون اجرای احکام اعلام می‌دارد که «اموال زیر برای اجرای احکام توقیف نمی‌شود» و بدین ترتیب با توجه به نوع و کیفیت بعضی اموال مزیتی به نفع بدهکار مقرر داشته است.

ب - در حقوق عمومی و حقوق جزا

برخلاف آنچه در بخش مربوط به حقوق خصوصی به اجمال شرح داده شد، در این بخش و تحت این عنوان، دولت و حاکمیت دولت نقشی

۵. دیون ممتازه شامل است بر «مطالبات بی‌وثیقه بستانکار که به حکم قانون گونه‌ای حق تقدم در وصول طلب خود بر سایر بستانکاران داشته‌باشد»، جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط، جلد سوم، ۱۳۷۸، شماره ۷۴۰۸، ص ۱۹۹۶.

۶. مستثنیات دین: «اموالی که برابر قانون در هنگام اجرای حکم یا سند رسمی مشمول مقررات اجرا نبوده و توقیف نمی‌شود و به ضرر مالک به فروش نمی‌رسد». جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، شماره ۱۵۸، ص ۶۴۷.

۷. طبق ماده ۷۸۰ قانون مدنی: «برای استیفای طلب خود از قیمت رهن، مرتهن بر هر طلبکار دیگر رجحان خواهد داشت». مشابه این ماده، ماده ۲۰۷۳ قانون مدنی فرانسه Code civil است که امتیاز بستانکاری را مشخص می‌سازد که وثیقه مال منقولی گرفته باشد.

اساسی برعهده دارند. برحسب تقسیم بندی علم حقوق به دو رشته عمومی و خصوصی، حقوق عمومی مجموع قواعدی است که در حقوق داخلی، حاکم بر روابط فرد و دولت و در حقوق بین الملل حاکم بر روابط دولتی با دولت دیگر. در اینجا یادآوری چند نکته که بر سراسر این گفتار سایه افکنده، ضروری است:

۱- مزایا و مصونیتها به شخص یا اشخاص و نهادهایی تعلق می گیرد که وظایف و تکالیفی رسمی بر عهده دارند، و بی شک دولت در رأس این نهادها است.

۲- اشخاص برخوردار از مزایا و مصونیتها به شرطی می توانند آزادانه و فارغ از هر نوع مداخله وظایف و تکالیف مربوط را به انجام رسانند که از هرگونه فشار و سختگیری به خصوص رفتار پلیسی در امان بمانند: در حقوق داخلی از طرف دولت متبوعشان، و در حقوق بین الملل از اعمال صلاحیت دولت دیگر و لاقبل در حد اعمال مربوط به حاکمیت.^۸

۳- برخورداری از مزایا و مصونیتها استثنایی است بر اصل نظام حقوق مشترک و عام^۹ و برابری عامه مردم نسبت به قانون.

در عنوان این بخش حقوق جزا در کنار حقوق عمومی جای گرفته، ولی ممکن است به اعتبار نظری دیگر، حقوق جزا در عداد رشته های حقوق خصوصی جای داشته باشد. این که حقوق جزا در عداد شاخه های حقوق خصوصی یا حقوق عمومی قرار بگیرد، بحثی است که ربطی به این گفتار ندارد. در تقسیم بندی علم حقوق به دو رشته، در این بخش مزایا و مصونیتها

۸. مصونیت از اعمال صلاحیت دولتی نسبت به دولت دیگر همان مقوله ای است که در زبانهای خارجی Immunity from Jurisdiction / Immunité de juridiction نامیده می شود.

۹. نظام حقوق مشترک یا عام Droit commun نظامی است که علی الاصول بر تمام دعاوی و امور جاری است مگر این که نظامی خاص به نحوی دیگر مقرر کرده باشد.

در رشته‌ای بررسی شده‌اند که با حاکمیت دولت سر و کار دارند، و حقوق جزا هم از جمله این رشته‌ها است.^{۱۰}

۳- تعاریف و مفاهیم در حقوق بین‌الملل عمومی

در شرحی که خواهد آمد، مزایا و مصونیتها از دو جنبه بررسی می‌شوند: نظری کلی بر تعاریف و مفاهیم، و نظری جزئی بر حالاتی خاص. در بررسی نظری کلی، سیری اجمالی در مآخذ به عمل خواهد آمد و از حد کلیات فراتر نخواهد رفت. در بررسی نظری بر حالاتی خاص مصونیت‌های دولت و دیپلماتیک مورد توجه قرار گرفته‌است.

الف - نظری کلی بر تعاریف و مفاهیم

در بیان واقعیتی مسلم، در بسیاری لغت نامه‌ها و دانشنامه‌ها (آنسیکلوپدی‌ها)، مزیت مترادف و معادل «حق» دانسته شده‌است، زیرا مزیت قانونی است راجع به شخص، و در نتیجه بر اثر این قانون حقی هم به شخص اعطا می‌شود. این تعاریف در معانی کم و بیش یکسانی بکار رفته‌اند، و شاید هم بتوان گفت از یکدیگر گرتنه برداری کرده‌اند، چنانکه در وهله نخست این‌طور به نظر می‌رسد که تلاش برای جستجوی تعریفی جامع ثمری در بر ندارد.

یکی از این مراجع، مزیت (privilège) را چنین تعریف کرده: «حق و امتیازی خاص^{۱۱} که به شخص یا طبقه‌ای از اشخاص تعلق می‌گیرد و آنان

۱۰. این که حقوق جزا شاخه‌ای حدفاصل حقوق عمومی و حقوق خصوصی است و این حقوق تا چه حد وابسته به حاکمیت است. رک.

Frédéric DESPORTES, Francis GUNEHÉC, *Le Nouveau Droit Pénal Général*, Tome 1, 1999, p. 18 et 19.

11. avantages particuliers.

را مجاز می‌دارد بدون توجه به امتیازات مشترک و عام از آن برخوردار شوند.^{۱۲} مهم‌تر از همه آنکه این مراجع در تعریف مزیت تلویحاً به مصونیت هم متمایل شده‌اند؛ مصونیتی که در همین لغت‌نامه، این‌طور معنا شده‌است: «معافیت از خدمت و وظیفه، امتیازی^{۱۳} که قانون به بعضی از اشخاص اعطا کرده است»،^{۱۴} همان‌طور که دیده می‌شود این تعریف متقابلاً احاله‌ای هم به «مزیت» داده است. «معافیت از خدمت و وظیفه» تعریف اصلی مصونیت است که تعریف اصلی مزیت را نیز در بر گرفته است یعنی «امتیازی که قانون برای بعضی طبقات قائل شده‌است». بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که احاله‌ی مزیت و مصونیت به یکدیگر از این دریچه قابل درک و بررسی به نظر می‌رسد.

همین عبارات و در کنار آن، رابطه‌ی مزیت و مصونیت را در تعاریف لغت‌نامه‌های دیگر می‌توان یافت. در یکی از آنها «مزیت را حق، امتیاز یا مصونیتی که به شخص یا دسته و طبقه‌ای از اشخاص اعطا می‌شود یا از آن بهره‌مند می‌شوند» دانسته و بلافاصله، همچون تعاریف دیگر، می‌افزاید «بیش از حد امتیازاتی که قانون مشترک و عام نصیب دیگران می‌نماید».^{۱۵} اگر در همین لغت‌نامه‌ها به مدخل «مصونیت» (immunité)^{۱۶} مراجعه کنیم، در تعریف آن به جامعیتی بر می‌خوریم که مقوله‌ی مزیت را نیز در بر دارد. در مدخل «حقوق»،^{۱۷} مصونیت «معافیت از خدمت، تعهد، تکلیف و

12. Le ROBERT, *Dic. Alphabétique et Analogique de la Langue Française*, par PAUL ROBERT, T.3, 1981, p. 615.

13. prérogative.

۱۴. لورویر، همان لغت‌نامه، ص ۶۷۰

15. *The Shorter Oxford English Dictionary II*, 1983, p. 1674.

16. Immunity.

17. law.

وظیفه؛ معافیت از پرداخت مالیات و براءت از اعمال صلاحیت» برداشت شده که با تعریف اصلی‌اش سازگار به نظر می‌رسد. ناسازگاری از آنجا آغاز می‌شود که جزء کلامی «مزیتی که به شخص یا دسته و صنفی از اشخاص اعطا شده» جزء کلامی تعریف اصلی مزیت است که در مقوله مصونیت وارد شده‌است. در نتیجه، تعریف و مفهوم مصونیت از آنچنان قوتی برخوردار شده که مقوله مزیت را در خود جذب کرده و در عداد امتیازات دیگر قرار داده است. در تعاریف دیگر، همین التباس معنا وجود دارد.

در لغتنامه‌ای، مزیت «حق یا مصونیتی که به منزله نفعی خاص،^{۱۸} امتیاز یا نظری مساعد^{۱۹} اعطا شده‌باشد»^{۲۰} تعریف شده‌است. اما در همین لغتنامه مقوله مصونیت چنین تعریف شده‌است: «معافیت یا براءت از بار مسؤلیت، تکلیف، (قبول) منصب و مقام، مالیات و عوارض، محکومیت، خدمت، بخصوص وقتی قانون به شخصی یا دسته و صنفی از اشخاص اعطا کند»^{۲۱} هرگاه قرار باشد که مصونیت را بر رسته و صنف خاص معمول دارند، «معافیت اعطا شده به رسته و صنفی خاص از اشخاص و کاهش بار مسؤلیت یا تکالیف و ناشی از برقراری نوعی رابطه با دیگران» مصونیتی می‌دهد که مصادیق مشهور آن: مصونیت پارلمانی و مصونیت قضایی به شمار می‌روند.^{۲۲}

18. particular benefit.

19. favor.

20. Webster's Third Dictionary, Vol. II, 1971, p.1805.

21. Ibid, p. 1130.

۲۲. در این گفتار با دو مصونیت پارلمانی و قضایی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

وحدت مبحث یا تفکیک مبحث

برای آن که بهتر دانسته شود که مزایا و مصونیتها هر یک منفک از دیگری است یا هر دو مبحثی واحد، تعاریف دیگری را از نظر می گذرانیم.

همانطور که دیدیم بعضی مراجع مزیت را «امتیاز»^{۲۳} برتری^{۲۴}، حق یا قدرتی بیش از آن میزانی که^{۲۵} حقوق مشترک^{۲۶} به نفع دیگران فراهم می آورد و یا بیش از آنچه به رسمیت شناخته است^{۲۷} دانسته، و سپس این مفهوم را در دو معنی وسیع و محدود مورد توجه قرار داده اند. چنانکه، «در معنایی وسیع، این کلمه در غالب اوقات بر مجموع امتیازاتی اطلاق شده که دولت محل مأموریت و میزبان^{۲۸} باید در حق مأموران دیپلماتیک و کنسولها برقرار کند، و به تناسب آن امتیازات مصونیتهایی برای آنها به وجود آورد». در این برداشت، تعرض ناپذیری^{۲۹} یکی از این مصونیتها است. تعرض ناپذیری «مزیتی است اساسی و بنیاد مزیتهای دیگر که یا نتیجه منطقی همان مزیت اساسی است یا فروعی وابسته به آن»^{۳۰}. تعریف بی پیرایه اول نسبت به تعریف اصلی مزیت، - قانونی راجع به شخص -، موجه به نظر می رسد: کلمه «دیگران» همان اشخاص تلقی می شوند که صفت دیپلماتیک بر آنها اطلاق نشده است. در تعریف دیگر که مفهوم مزیت را در معنایی وسیعتر مورد توجه قرار داده

23. Prérrogative.

24. avantage.

25. droit ou pouvoir supérieur.

26. droit commun.

27. *Dictionnaire de la Terminologie du Droit International*, p. 426.

۲۸. همانجا.

29. inviolabilité / inviolability.

30. Paul Fauchille, *Traité de droit international public*, 1926, vol. 1, Partie 3, p. 63.

مصونیت را نیز در بر می‌گیرد. به‌ظاهر، امتیازات مورد نظر هم متضمن مزیت‌اند، و هم شامل مصونیت. از این دو تعریف چه بر می‌آید؟ آیا دو مفهوم مزایا و مصونیتها که در بسیاری اسناد و آثار و تألیفات ملتبس شده‌اند، هریک اصالت خود را حفظ می‌کند و یا این که هر دو را می‌توان مفهوم واحدی به شمار آورد و به اصطلاح هر دو را پشت و روی یک سکه دانست؟^{۳۱}

در معنایی دقیق‌تر، اصطلاح مزیت، وقتی صحبت از «مزایا و مصونیتها» به میان می‌آید، در برگیرنده «امتیازاتی است که به سازمان ملل متحد، نمایندگان اعضا و کارکنان این سازمان (ماده ۱۰۵ منشور)،^{۳۲} قضات دیوان دادگستری بین‌المللی، کارگزاران، مشاوران و وکلای طرفین اختلاف (ماده ۱۹^{۳۳} و ۴۲^{۳۴} اساسنامه)، مأموران دیپلماتیک و کنسولها تعلق می‌گیرند».^{۳۵}

همانگونه که دیده می‌شود «حق، مصونیت یا نفعی است^{۳۶} که شخص را بیش از امتیازاتی که به دیگران تعلق می‌گیرد برخوردار می‌کند»، و این

۳۱. نک. ص ۲۵۸.

۳۲. ماده ۱۰۵ منشور ملل متحد: ۱- سازمان در خاک هریک از اعضای خود از مزایا و مصونیت‌هایی که برای رسیدن به مقاصدش ضروری است برخوردار خواهد بود.

۳۳. نمایندگان اعضای ملل متحد و مأموران سازمان نیز به همین نحو از مزایا و مصونیت‌های لازم برای این که بتوانند وظایفشان را که مربوط به سازمان است مستقلاً انجام دهند، برخوردار خواهند بود.

ماده ۱۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری: «اعضای دیوان در اجرای وظایف خود دارای مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک خواهند بود».

۳۴. ماده ۴۲ اساسنامه دیوان: «نمایندگان، مشاوران و وکلای طرفین در محضر دیوان دارای مزایا و مصونیت‌هایی خواهند بود که برای انجام آزادانه وظایف آنان لازم است».

۳۵. همان مأخذ، ص ۴۷۷.

۳۶. وجود کلمه نفع در این تعریف بظاهر با هدف اصلی مزایا و مصونیت که در مقدمه کنوانسیون وین سال ۱۹۶۱ روابط دیپلماتیک اعلام شده، سازگار نیست. در مقدمه این کنوانسیون چنین آمده: «هدف مزایا و مصونیت‌های مذکور منتفع ساختن افراد نیست، بلکه تأمین انجام مؤثر و وظایف هیأت‌های دیپلماتیک

در واقع تعریف مزایایی است که در بطن آن مفهوم مصونیت جای گرفته است.^{۳۷} این مصونیت که بر «معافیت از هر مسؤولیت طبیعی یا عادی دلالت دارد»^{۳۸} تعریفی مجمل و فقط ناظر بر مسؤولیت عرضه می دارد که در منظری وسیع تر «معافیت از تعهد، خدمت، تکلیف، مسؤولیت مالیاتی، (مصونیت از) اعمال صلاحیت، ...»^{۳۹} قلمداد می شود. مصادیقی که برای این تعریف عرضه شده است بیش از همه با مصونیت از اعمال صلاحیت سر و کار دارد: سفیری که به جرم تخلف از مقررات رانندگی تحت تعقیب قرار می گیرد، به مسؤولیت دیپلماتیک^{۴۰} متوسل می شود.

در بررسی این دو مفهوم در رابطه یکی با دیگری، این برداشت مفهومی مصونیت را «مزیتی خاص»^{۴۱} می داند، به طوری که مزایا معنایی «عام» عرضه می دارد و نسبت به آن مصونیت معنایی «خاص».

بدین ترتیب، این مفهوم یعنی مزایا «امتیازاتی را شامل است بجز مصونیهایی که، بر حسب مورد، عرف و عملکرد دولتها را مشخص می کنند و در نتیجه یا مزایای مأموران دیپلماتیک را مستند قرار می دهند و یا مقتضیات وظیفه‌ای را که باید انجام پذیرد».^{۴۲}

در سمت نمایندگان دولتهاست. مسلم این که مصونیتی که در حق شخصی مقرر می دارند، متضمن این است که او را مورد حمایت قرار دهند تا بتواند وظایف مربوط را در شرایط مناسبی انجام رساند.

37. *Random House Dictionary of the English Language*, 1987, par. 1, p. 1541.

۳۸. راندم هاوس، همان لغتنامه، پاراگراف ۴، ص ۹۵۸.

۳۹. همانجا، پاراگراف ۵.

۴۰. همان پاراگراف.

41. *Special privilege*, *ibid.*, par. 7.

۴۲. از صفحه ۱۲ تا اینجا به مقیاسی وسیع از منبع ذیل الهام گرفته شده:

Dictionnaire de la Terminologie du Droit International., pp. 320-322, 476-477.

با این حال چنین بر می آید که استنباط مزایا در معنایی دقیق فقط مصونیت‌هایی را در بر می گیرد که در تقسیم‌بندی منابع حقوق بین‌الملل، طبق ماده ۳۸/۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری از منابع قراردادی (عهدنامه) همچون منشور ملل متحد و جزء لاینفک آن اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری^{۴۳} نشأت می‌گیرند و به عکس مصونیت‌هایی را که از منبعی غیر قراردادی همچون عرف^{۴۴} بر می‌آیند نمی‌توان در مقوله مزایا گنجانید، آن‌هم عرفی که نسبت به عهدنامه از دقت کمتری برخوردار است، و این خود، لااقل بنابر باور لغتنامه یاد شده، وجه تفکیکی است بین مزایا و مصونیت‌ها.

در ارجاع مزایا به مصونیت‌ها، مصونیت «مزیتی است که شخصی را به دلالت حیثیت و وصفی که خاص خود اوست، از ادای تکلیف و الزامی معاف می‌دارد، تکلیف و الزامی که دیگران از قید آن رها نتوانند شد؛ امتیازاتی که در حق شخصی (به خصوص خارجی) به رسمیت شناخته می‌شود و او را از شمول نظام حقوقی مشترک معاف می‌دارد». (به طور مثال، معافیت‌های پارلمانی، معافیت رئیس‌جمهور کشور فرانسه طبق قانون اساسی کشور فرانسه سال ۱۹۵۸، مواد ۲۶ و ۶۸).^{۴۵}

غرض آن است که هر دیپلمات هم به اعتبار شأن و منزلت شخصی دارای امتیازات اجتماعی است، و هم از جهت وظیفه و منصبی که عهده‌دار آن است و باید در انجام آن از بعضی تسهیلات و امتیازات برخوردار باشد.

۴۳. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان که رسالت دارد اختلافاتی را که به وی رجوع می‌شود، طبق حقوق بین‌الملل حل و فصل نماید، منابع ذیل را اعمال می‌کند:

۱- پیمانهای عام یا خاص که رسماً قواعدی وضع کنند که دولتهای طرف اختلاف به رسمیت شناخته‌اند.

۴۴. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان:

۲- عرف بین‌الملل بمنزله دلیل معمول عامی در حکم قاعده‌ای حقوقی.

۴۵. CORNU، همان لغتنامه، ص ۴۰۷.

معافیت از ادای تکلیف و الزام به تبعیت از قانون، تعریف اصلی مصونیت است که طبعاً در تعاریف دیگر باید وجود داشته باشد، بدین ترتیب: «معافیت از شمول تکالیف و حقوق مشترک در نظام بین‌المللی شامل محدودیتهایی است بر اعمال صلاحیت قضایی و اقدامات دولتها و استثناهایی بر کاربرد قوانین آنان، آن هم تا حدی که حقوق بین‌الملل و عهدنامه‌ها مجاز دانسته‌اند، نسبت به دولتی خارجی، مأموران دیپلماتیک و کنسولها، قوای نظامی، کشتی‌های دولتی».^{۴۶}

در هریک از این دو تعریف که در حد کلی بیان شده، نوعی «معافیت از ادای تکلیف و الزام» که در واقع معافیتی است از «شمول حقوق مشترک» و استثنایی بر صلاحیت داخلی دولتی نسبت به دولت دیگر، مصادیقی جزئی‌تر و دقیق‌تر وجود دارند: در رابطه با دیپلماسی از طرفی، مصونیت‌های دیپلماتیک، از طرف دیگر، مصونیت دولت.

ب - نگرشی بر حالاتی خاص

آنچه در بخش ۲ آمد، از حد کلیات تعاریف و مفاهیم درباب مزایا و مصونیتها فراتر نرفته و مصادیقی هم عرضه نشده‌است، در این بخش، نگرشی اجمالی به حالاتی خاص که بخصوص با حیات دیپلماتیک و دولتها سر و کار دارد مورد توجه قرار داده شده‌است.

مزایای دیپلماتیک - امتیازاتی است که حقوق بین‌الملل مأموران دیپلماتیک را از آن بهره‌مند می‌سازد تا بتوانند وظایفشان را آزادانه و فارغ از هرگونه مداخله انجام دهند، و یا برای این که نسبت به آنان شرط ادب و

۴۶. فرمگ ترمینولوژی حقوق بین‌الملل، ص ۴۷۶.

نزاكت رعایت شود، و برحسب کاربردى كه دولتها از این كلمه (مزایا) به عمل می آورند، مصونیتها را در بر می گیرند یا از آن تمییز داده می شوند.^{۴۷} به طور مثال، قبل از ۱۹۶۱، سال امضای کنوانسیون روابط دیپلماتیک در وین، معافیت گمركى مزیتی بر مبنای نزاكت بین المللی به شمار می رفت: هیچ دولتی مجبور نبود نسبت به اثاثیه و سایر اشیاء وارداتی دیپلماتهای دولت دیگر معافیت گمركى بر قرار کند، مگر به شرط عمل متقابل. از سال ۱۹۶۱ به بعد، اصل نزاكت بین المللی و شرط عمل متقابل دیگر ملاك عمل قرار نمی گیرد، و در نتیجه بنا بر ماده ۳۶ کنوانسیون، هر دولت طبق قوانین و مقررات اداری كه وضع می کند، معافیت های گمركى برای دیپلمات های خارجی معمول می دارد. بدین ترتیب، در سال ۱۹۶۱، کاربردى از كلمه مزیت به عمل آوردند كه به صورت مصونیت گمركى درآمده است.

مصونیت های دیپلماتیک - تعریفی كه از این مصونیتها در دست است، چندان اختلافی نسبت به تعریف مزایای دیپلماتیک عرضه نمی كند. با این حال، نظر بر این قرار گرفته است كه عین تعریف آورده شود: «مجموع امتیازاتی كه حقوق بین الملل اعضای هیأت های دیپلماتیک، بعضی اشخاص وابسته به این هیأتها، و به موجب بعضی عهدنامه ها، بعضی مأموران رسمی بین المللی را از آن برخوردار کرده، و آنان را از قلمرو قضایی صلاحیت دادگاهها و اعمال و اقدامات مقامات محلی، کاربرد بعضی قوانین كشوری كه در آن به سر می برند، رها می سازد».^{۴۸} همانطور كه در بررسی مزایای دیپلماتیک خاطر نشان شده، در بررسی مصونیت های دیپلماتیک وجود امکان

۴۷. اقتباس از همان لغتنامه، ص ۴۷۷.

48. Lapradelle - Niboyet, *Répertoire V^o agent diplomatique* n°6.

شرایط مناسب در انجام دادن وظایف، علت وجودی اصلی است: «برای انجام دادن وظایفشان و در طول مدت این وظایف، مأموران دیپلماتیک از امتیازات و مزایایی برخوردارند که مصونیت‌های دیپلماتیک نام گرفته‌اند و اصلی‌ترین آنها عبارتند از: تعرض ناپذیری، مصونیت از اعمال صلاحیت، معافیت از بعضی مالیاتها و الزامات مالی دیگر».^{۴۹}

در سال ۱۹۲۹، طرح علمی «مؤسسه حقوق بین‌الملل» مصونیت اماکن سفارتخانه‌ها را بر این مصونیتها افزود و بدین ترتیب در مجموع شش مصونیت به دست آمد و بر این اساس مصونیتها از مزایا تفکیک گردید. از تفکیک این دو مفهوم، «در معنایی دقیق، معافیت از قید اقدامات و اعمال مقامات محلی» که در تعریف مصونیت‌های دیپلماتیک ذکر آن رفت، ضابطه‌ای به دست می‌آید که مصونیتها را از بعضی مزایا تفکیک می‌کند: بنا بر آنچه در فرهنگ حقوق بین‌الملل آمده‌است، مصونیتها مشمول صلاحیت مقامات محلی قرار نمی‌گیرند، ولی بعضی مزایا از قید این صلاحیت خارج نمی‌شوند، از اینجاست که اصطلاح: مزایا و مصونیتها به صورتی با یکدیگر مرتبط شده و در بسیاری از اسناد، تألیفات و مدارک به کاربرده شده‌اند تا به صراحت فهمانده شود که مفهوم مزایا جدا از مفهوم مصونیتهاست. مطلوب آن است که اصطلاح: مصونیت‌های دیپلماتیک جز دربارهٔ معافیت‌هایی که در فهرست لاپرادل - نیوآیه و در طرح علمی مؤسسه حقوق بین‌الملل جمع‌آوری شده مزایای دیگری را در بر نگیرند.^{۵۰}

در همین زمینه، «امتیازاتی که مأموران دیپلماتیک و کنسولی را برخوردار می‌سازد و در نظر دارد استقلال و آزادی آنان را در برابر مقامات

۴۹. لغتنامه ترمینولوژی، همان صفحه.

50. Règlement de I.D.I sur les immunités diplomatiques, *Annuaire* 1929, II, p.307 et 308.

محلّی تأمین کند»^{۵۱}، تعریف دیگری است که همان مصونیت را به پیش می‌کشد: تعرض ناپذیری شخصی و اموال او، مصونیت اماکن هیأت دیپلماتیک، حق مأمور به حفظ رمز و راز دیپلماتیک، معافیت از صلاحیت مدنی، جزایی و اداری (دولت میزبان)، مزایای مالیاتی.

مصونیت دولت - در بین تعاریفی که از مصونیت در شاخه‌های علم حقوق به عمل آمده، تعریفی در حقوق بین‌الملل عمومی عرضه می‌شود که مهمترین و پرتلاطم‌ترین آنهاست: مصونیت از اعمال صلاحیت. به موجب این مصونیت «دولتها را نمی‌توان برخلاف اراده و میل آنها تحت صلاحیت دولت ثالث قرار داد»^{۵۲}.

این تعریف تعریفی است مجمل و گویا، ولی بعضی لغت‌نامه‌ها، تعریف کاملتری به دست داده‌اند و مصونیت از اعمال صلاحیت را در محدوده وسیعتری تعریف کرده‌اند: «دولت خارجی را نه می‌توان در دادگاه ملی به محاکمه کشاند (مصونیت از اعمال صلاحیت)^{۵۳} و نه می‌توان داریی‌های آن را در معرض تدابیر اجرایی قرار داد (مصونیت اجرایی)»^{۵۴}. این مصونیت یکی دیگر از «محدودیت‌هایی است که حقوق بین‌الملل عمومی بر صلاحیت دولتی وارد می‌کند و کم و بیش بطور کامل دولتهای خارجی،

۵۱. CORNU، همان لغت‌نامه، ص ۴۰۷.

۵۲. Le ROBERT، همان لغت‌نامه، ص ۶۱۵.

۵۳. در اصطلاح «مصونیت از اعمال صلاحیت» لفظ صلاحیت ترجمه فرانسوی Jurisdiction و انگلیسی Jurisdiction است. کلمه‌ای است مشتق از کلمه لاتین Jurisdictio که خود دو جزء دارد: dicere & jus یعنی اعلام حق، و در معنای محدود صلاحیت دادگاه است که بگوید حق به جانب کیست. راجع به مفاهیم دیگر این کلمه رجوع شود به: CURNU، لغت‌نامه حقوقی.

۵۴. CORNU، همان لغت‌نامه، ص ۴۰۷.

اعضای هیأت‌های دیپلماتیک، کنسولها را...» از قید این صلاحیت خارج می‌سازد.^{۵۵}

نتیجه‌گیری

- در تعریف اصلی دو اصطلاح مزایا و مصونیتها، هریک معنی و مفهومی خاص به خود دارد، یکی قانونی است راجع به شخص، دومی معافیت از ادای تکالیف و وظایف و در واقع نوعی عدم مسؤولیت.

در سراسر این گفتار، بدین نکته پی‌برده شد که این دو مفهوم از بسیاری جهات، و نه از همه جهات، اگر نگوییم متحد دست کم هم‌میختگی فشرده‌ای به وجود آورده‌اند.

- با این حال، در بسیاری از اسناد و نوشته‌ها، اعم از عهدنامه بین‌المللی و آثار و تألیفات، این دو اصطلاح به صورت مفاهیمی مرتبط با یکدیگر آورده شده‌اند و ارجاع به آن اسناد از نظر کثرت موارد کاری بس دشوار می‌نماید.

- (Ph. CAHIER) فیلیپ کیه،^{۵۶} استاد دانشگاه ژنو در تألیفی تحت عنوان «حقوق دیپلماتیک معاصر» چنین گفته‌است:

«تعریف دقیقی از اصطلاح «مزایا»^{۵۷} و «مصونیتها»^{۵۸} در دست نیست. دکترین و رویه قضایی این دو اصطلاح را فارغ از هرگونه قید و بندی با یکدیگر آمیخته و هریک را به جای دیگری به کار برده‌اند». با این وصف، به عقیده نویسنده مذکور، بسیار کوشیده‌اند که وجه تمایزی

۵۵. رجوع شود به: Immunité de Jurisdiction در فرهنگ ترمینولوژی حقوق بین‌الملل، ص ۳۳۱.

56. Philippe CAHIER, *Droit Diplomatique Contemporain*, Genève, Droz, 1964, p. 183-184.

57. privilèges.

58. Immunités.

بین این دو مفهوم بیابند. «هامر شولد مزایا را در سمت و سوی حیثیت و اعتبار^{۵۹} قرار داده و مصونیت را در سمت و سوی تضمین^{۶۰}»^{۶۱} مؤلفان دیگری وجه تمییز این دو مفهوم را دقیقتر و بی‌ابهام‌تر بیان کرده‌اند. به عقیده پرنو (Perrenoud)^{۶۲} مصونیت در «حالتی است که شخص تابع قاعده حقوق داخلی و ضمانت اجرای آن نباشد، و مزایا در حالتی است که قاعده‌ای خاص حقوق داخلی، به جای قاعده معمولی قرار گیرد». و در پایان این مبحث، وی می‌افزاید: «روا نیست بیش از این در این قبیل مسائل تأمل کرد، مسلم این که تحقیق در تفکیک مزایا و مصونیتها هیچ نتیجه‌ای عملی در بر ندارد». از دیدگاه نویسنده، تفکیک نظری بین دو مفهوم در واقع مفهوم وحدت مبحث را پیش کشیده است.

مؤلفی دیگر را عقیده بر این است که دو واژه «مزایا» و «مصونیتها» را نمی‌توان به جای یکدیگر استفاده کرد، و در دفاع از این عقیده بیان می‌دارد: «به طور کلی، مزایا به برخی از معافیت‌های ماهوی قوانین و کشور میزبان دیپلمات اشاره دارد (مانند مقررات مربوط به مالیات یا تأمین اجتماعی)، در حالی که مصونیت هیچ‌گونه معافیتی از قوانین ماهوی نیست، بلکه از نظر شکلی نوعی حمایت در قبال روند اجرایی کشور میزبان به وجود می‌آورد». به عنوان مثال، دیپلمات از اطاعت قوانین کشور میزبان، وظیفه ادای دین و رعایت قوانین بیمه و مالیاتی کشور میزبان معاف نیست، ولی اگر این مقررات را نقض کند، مقامات اجرایی

59. Prestige.

60. Garantie.

61. A. Hammarskjöld, "Les immunités des personnes investies de fonctions internationales". *RCADI*, 1939, II, p. 157.

62. G. Perrenoud, *Régime des privilèges et immunités des missions diplomatiques étrangères et des organismes internationaux en Suisse*, Lausanne, 1949, p.21.

کشور میزبان نمی‌توانند وی را دستگیر کرده و در محاکم ذیصلاح محاکمه کنند. پس از چند توضیح، نویسنده مذکور به این نتیجه می‌رسد که «اما وحدت رویه‌ای در خصوص تفکیک مزایا از مصونیتها وجود ندارد و به همین دلیل آنها را بیشتر به صورت مترادف با یکدیگر به کار می‌برند».^{۶۳}

– حاصل کلام آنکه مزیت قانونی است راجع به شخص، مصونیت معافیتی است از ادای تکلیف و وظیفه. اما اینکه تا چه حد این دو مفهوم در یکدیگر آمیخته‌اند، نظر ما این است که پاسخ به این پرسش‌ها را در مقدمه کنوانسیون وین سال ۱۹۶۱ راجع به روابط دیپلماتیک بیابیم:

«هدف این مزایا و مصونیتها بهره‌مند ساختن افراد نیست بلکه تأمین انجام مؤثر وظایف هیأت‌های دیپلماتیک در سمت نمایندگان دولتهاست».



۶۳. مسعود طارم سری، «تقدی بر: مصونیت دیپلماتیک، اصول، عملکردها و مسائل»، مجله سیاست خارجی، فصلنامه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی شماره ۲ و ۳ سال ششم، تابستان و پاییز ۱۳۷۱، صص ۲۸۴-۲۸۳.

Grant V. Mc CLANAHN, *Diplomatic immunity, Principles, Practices, Problems*, New York: St. Martin's Press, 1989, XVII 283 17.